



در يك دهه اخير حداقل دو پروژه بزرگ سينمايي تاريخ اسلام با كارگردانان نامدار و بودجه‌هايي به مراتب هنگفت‌تر با عوامل غير ايراني، ساخته شد كه سرنوشت‌شان نشان مي‌دهد مختارنامه چه اثر موفق و موثري است

چرا بازپخش سریال مختارنامه در نهمین محرمی که از ساختش می‌گذرد، همچنان مخاطب دارد؟

مجلس تعزیه‌ای به نام مختارنامه



۹ سال از اولین پخش سریال مختارنامه می‌گذرد. مجموعه‌ای که در اولین پخش خود، میلیون‌ها نفر را جمعه شب‌ها ساعت ۱۰ پای شبکه یک سیما میخکوب می‌کرد. سریالی که درباره موضوعات فرامتنی آن بحث‌های گوناگونی درگرفت.

بحث‌هایی مانند نسبت ایرانی‌ها با مختار، چرایی و لزوم یا عدم لزوم ساخت سریال مختارنامه، مقایسه شخصیت‌های امروزی با شخصیت‌های سریال و... بحث‌هایی که همچنان و در هنگامه بازپخش چندین باره آن ادامه دارد و نشان می‌دهد ساخته داوود میرباقری همچنان کشش برای بحث‌های پیرامونی را دارد.

احسان ناظم بکایی
روزنامه‌نگار

مجلس ثابت را اجرا می‌کنند اما تکیه‌ها از جمعیت پرمی‌شود و حاضران بدون توجه به تغییر احتمالی شبیه‌خوانان و... اشک می‌ریزند. با این نگاه صداوسیما از مختارنامه، کارکردی تعزیه‌وار ساخته است و آن را به صورت مجالس تعزیه روی آنتن می‌فرستد. با این حال چرا مختارنامه این جایگاه را پیدا کرده است؟ آنچه در دو دهه اخیر (یک دهه ساخت سریال و حدود یک دهه پخش و بازپخش آن) از مختارنامه دیده، شنیده و نوشته است، چه گزارش، چه نقد، چه مصاحبه، همه و همه گواه این است که سریال مختارنامه، تراز بالای نمایش در سینما و تلویزیون کشورمان است و نماد ساخت اثر نمایشی فاخر تاریخی محسوب می‌شود. کلاس ساخت سریال

کیانیان یا نقش ابن‌زبیر را بازی می‌کند، اهمیت چندانی ندارد. مخاطبان مختارنامه، تمام سکانس‌های سریال از بر هستند و پایان داستان را می‌دانند ولی به خاطر حال و هوای محرمی جامعه، به آن علاقه‌مندند. درست مثل بازپخش سریال یوسف پیامبر که در هر بار دیده شدن، مخاطبان به عنوان قصه‌ای برآمده از قرآن به آن توجه دارند و نه سریالی که مصطفی زمانی یا کتایون ریاحی در آن بازی می‌کنند. ملموس‌ترین مثال برای تداوم استقبال از بازپخش مختارنامه، تکرار مجالس تعزیه در محرم هر سال است. سال‌هاست در دهه‌های اول محرم، نسل به نسل در تکیه‌های روستاها و شهرهای مختلف، مجالس تعزیه برپا می‌شود. هر روز دهه هم یک

در این ۹ سال، تلویزیون به قدری در محرم، سراغ سریال مختارنامه و محصولات جانبی آن مثل تدوین چند فیلم سینمایی، کلیپ‌ها و... رفته است که دیگر تصور محرمی بدون مختارنامه، تصویر بعی‌دی به نظر می‌رسد. چنانچه عدم پخش فیلم روز واقعه در محرم هم تقریباً امری محال است. اما چرا مختارنامه، عملاً به تنها نمونه قابل تکیه حوزه نمایشی تلویزیون و حتی سینما ما درباره عاشورا بدل شده است؟ واقعیت این است همه آنها که برای چندمین بار بیننده سریال مختارنامه‌اند، به نفس و محتوای آن توجه دارند.

برای آنها دیگر این که فریبرز عرب‌نیا نقش مختار را بازی می‌کند یا فرهاد اصلانی، ابن زیاد شده یا رضا

که تمام عوامل و ارکان آن ایرانی‌اند، کاملاً جهانی است و در حوزه هنر نمایش جهان اسلام کم‌نظیر به شمار می‌آید.

توجه ویژه به داستان و ترفندهای دیالوگ‌نویسی تاریخی قابل فهم که تخصص داوود میرباقری است در کنار ترکیب گسترده‌ای از بازیگران خبره، دکورهای عظیم و صحنه‌سازی‌های بزرگ از مختارنامه، پروژه‌ای فاخر ساخته است که حتی هم‌اکنون و یک دهه بعد از پایان ساخت آن، نه تنها تاریخ انقضا ندارد بلکه هنوز ساختاری قابل تحسین و تمجید دارد.

در یک دهه اخیر حداقل دو پروژه بزرگ سینمایی تاریخ اسلام با کارگردانان نامدار و بودجه‌هایی به مراتب هنگفت‌تر با عوامل غیر ایرانی، ساخته شد که سرنوشت‌شان نشان می‌دهد مختارنامه چه اثر موفق و موثری است. در کنار ساختار خود مختارنامه باید به این نکته هم توجه داشت که ساخت سریال‌های مناسبی محرم مانند دو همتای مناسبی دیگرش یعنی نوروز و رمضان چندان مورد اقبال و فراگیر نیست.

این درست است که سریال‌های شب دهم، پردیخت و روزهای اعتراض سریال‌های ماندگار این دوره مناسبی در دو دهه اخیرند، ولی در شب‌های محرم و به خصوص دهه اول، مخاطبان به واسطه حضور در تکاپا و... فرصت کمتری برای تلویزیون دیدن دارند که این ماجرا برعکس رمضان است که در زمان افطار، همه پای سفره افطار روبه‌روی تلویزیون می‌نشینند. برای همین هم تلویزیون به جای سریال مناسبی محرمی سراغ پخش سخنرانی‌ها و مداحی‌ها رفته است. در خلا نبود اثر نمایشی قابل اعتنا و با احترام به سازندگان سریال‌های مناسبی محرمی که عموماً از دهه دوم روانه آنتن می‌شوند، عملاً بار آنتن‌های تشنه محرم را مختارنامه و بازپخش آن پرمی‌کند.

این شب‌ها که شبکه‌های چهار و آی‌فیلم مشغول بازپخش سریال مختارنامه‌اند، بیش از پیش آرزومندیم که داوود میرباقری، ساخت سریال سلمان فارسی را وارد فاز اجرا کند. خیال همه هم بابت این که او سریالی در بالاترین حد استاندارد خواهد ساخت، راحت است، چون مختارنامه و جایگاه رفیع آن در تاریخ سریال‌سازی تلویزیون ایران، شاهی بر این ادعاست.

عزیز و محترم، اما...

نقد

نباشند و طعم‌شان برای تکراری و خسته‌کننده نشود.

مختارنامه عزیز بود و محترم! اگر مدیران تلویزیون اجازه می‌دادند طعمش با همان جذابیت بار اول زیر زبانشان بماند تا هر بار به بایگانی ذهنمان سرمی‌زنیم از یادآوری اش لذت ببریم. اگر مثل خوشمزه‌ترین غذای دنیا، روزی سه وعده، به جای صبحانه و ناهار و شام، «مختارنامه» به خوردمان نمی‌دادند و از آن اثری خسته‌کننده و تکراری و ملال‌آور نمی‌ساختند. مختارنامه‌ای که روزگاری مایه فخر و مباهات تلویزیون بود، حالا به جایی رسیده که به محض شنیدن خبر پخشش، سری به نشانه تاسف تکان می‌دهیم و زیرلب می‌گوییم: «باز هم مختارنامه؟» و چه چیزی می‌تواند برای یک اثر هنری بدتر از این باشد که بلافاصله بعد از آمدن نامش، چنین جمله‌ای درباره‌اش گفته شود؟



غذاها و رویاها و منظره‌ها و خوراکی‌های دنیا هم نمی‌توانند برای همیشه تورا به هیجان بیاورند. می‌توانی آنها را بچشی و با یادآوری طعم‌شان، تا آخر عمر کیف کنی، اما به شرط این که همیشگی

میرباقری و تیم تولید را نادیده گرفت و بی‌اهمیت جلوه داد؟ معلوم است که نه! می‌نویسم مختارنامه عزیز بود و محترم، چون هیچ چیز نمی‌تواند اندازه فراوانی و تکرار، اثری را از ارزش و اهمیت ببنداند؛ چون مختارنامه‌ای که این روزها برای صد و چندمین بار از شبکه چهار و آی‌فیلم پخش می‌شود، دیگر هیجان و شیرینی بار اول را ندارد. مثل این که خوشمزه‌ترین غذای دنیا را روزی سه وعده به جای صبحانه و ناهار و شام مقابله بگذارند یا هفته‌ای یک بار، بساطت را در زیباترین و رویایی‌ترین نقطه دنیا پهن کنند یا به اجبار، از تو بخواهند روزی چند بار در استخر پر از شکلات شیرجه بزنی و از تمام سیب‌زمینی سرخ‌کرده‌های دنیا سهمی داشته باشی... شکفت انگیزترین

«مختارنامه» عزیز بود و محترم. از آن سریال‌هایی که با هر فکر و عقیده و سلیقه‌ای، می‌توانستی بنشین و ۴۰ هفته، سر صبر تماشا کنی و دست آخر به کارگردانش دست‌مریزاد بگویی و آن را گوشه ذهنت برای همیشه بایگانی کنی. بعد مثل همه کتاب‌ها و فیلم‌های مهم و اثرگذار دنیا، گهگاه به بایگانی‌ات سر بزنی و صحنه‌هایش را زیر و رو کنی و باز هم از مرور و مزه‌مز کردن آن کيفور شوی. بله! مختارنامه عزیز بود و محترم! می‌نویسم «بود»، نه به این دلیل که دیگر عزیز و محترم نیست! چرا هست و همیشه هم می‌ماند. مگر می‌شود تلاش‌های داوود

مرجان فاطمی
روزنامه‌نگار